



توسعه نظام مالیاتی

## مالیات، فراتر از نگاه امروز

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران»، با مهندس عبدالمهدی اجلائی، رییس هیأت مدیره خانه صنعت و معدن استان اصفهان

اقتصاد ایران: وضعیت کنونی نظام مالیاتی کشور را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

این ارزیابی از دو جهت قابل انجام است: جهت‌گیری نظام مالیاتی و کارایی آن. متأسفانه مالیات در ایران، صرفاً نقش وصول درآمد برای دولت را دارد و به اهداف مالیاتی اساسی شامل توزیع عادلانه درآمد، ارج نهادن به فعالیت‌های کارآفرین و سرمایه‌گذاری مولد و در نتیجه، اشتغال زایی، کمترین عنایت را داشته است.

از سوی دیگر، به علت ناتوانی سازمان امور مالیاتی در شناسایی واقعی درآمدها و تمرکز بر سهولت دریافت و بخشی‌نگری و یکسونگری با زمینه‌سازی فرار مالیاتی و فشار مضاعف بر تولیدکنندگان، در دستیابی به هدف وصول درآمد هم ناموفق بوده است. شرکت‌های به ثبت رسیده و کارخانجاتی که باید محل حمایت باشند، متأسفانه بالاترین سقف مالیاتی را پرداخت می‌کنند و افرادی که درآمدهای کلان دارند، در لابلای معافیت‌ها و قوانین ناقص و اجرای ناقص تر قوانین، مخفی می‌شوند که این امر سبب اختلاف روزافزون فاصله طبقات اجتماعی و عدم تحقق عدالت اجتماعی گردیده است.

نظام مالیاتی باید در سطح فرد حقیقی پیاده شود، در حالی که اکنون، افراد حقیقی کاری به نظام مالیاتی ندارند. در نظام مالیاتی کنونی، افراد حقوق‌بگیر، اولین افرادی هستند که مالیات پرداخت می‌کنند، و این قشر، قشر آسیب‌پذیر می‌باشند. سایر بخش‌ها (مثل تجارت، خدمات و تولیدات زیرپله‌ای) با سیستم کنونی این بخش‌ها از پرداخت مالیات مبرا هستند.

اقتصاد ایران: مهمترین ضعف نظام مالیاتی کشور چه می‌باشد و چگونه می‌توان بر آن غلبه کرد؟

به نظر می‌رسد، علاوه بر مواردی که گفته شد، بزرگترین ضعف در نظام اجرایی، عدم وجود سیستم اطلاعاتی روز آمد و کارآمد، منطبق با شرایط فن‌آوری روز می‌باشد. این نظام اطلاعاتی شامل بخش‌های جمع‌آوری اطلاعات، پردازش اطلاعات و تحلیل مستمر داده‌ها است. از دیدگاه ما، جمع‌آوری اطلاعات، با فراگیر شدن اظهارنامه مالیاتی توسط کلیه آحاد ملت، به راحتی قابل دستیابی است. یک سیستم منسجم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌تواند کار پردازش را به صورت فراگیر در کشور انجام دهد. بخش سوم که همان تحلیل داده‌ها می‌باشد، نقش اساسی سازمان امور اقتصادی برای جهت‌گیری ایجاد رفاه عمومی و تحقق عدالت در راستای سند چشم‌انداز را تبیین خواهد کرد.

اقتصاد ایران: با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در کشور و تأثیرات نه چندان خوشایند مالیات بر فضای

کسب و کار، چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟  
اولاً، باید شرایطی ایجاد کرد که اقتصاد به معنای واقعی به مردم سپرده شود و به کمک سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های تولیدی - صنعتی نظیر خانه صنعت و معدن، اقتصاد کشور به سمت شفاف‌سازی و توسعه فعالیت‌های کارآفرین و اشتغال‌زایی تغییر جهت بدهد. ثانیاً، باید تفکرات و رفتار سازمان مالیاتی کشور و کلیه نهادهای قانون‌گذار، مجریان دولتی و قوه قضاییه، بر کرامت و صداقت اقشار ملت، به خصوص قشر مولد، متمرکز شوند. این امر، به وضوح سبب تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی - علی‌الخصوص ایرانیان مقیم خارج از کشور - خواهد گردید.

اقتصاد ایران: مالیات بر ارزش افزوده را در کشور تا چه حد مفید و مؤثر می‌دانید؟ با توجه به نرخ‌های بالای تورمی در کشور، آیا این مالیات، عامل تشدیدکننده تورم نخواهد بود؟

مالیات بر ارزش افزوده، از نظر ما نامناسب‌ترین اهرم تأمین هزینه‌های دولت است، به دلیل این که اهداف آن با اجرای آن بسیار تفاوت دارد. در مقدمه لایحه مالیات بر ارزش افزوده، این مالیات مالیات بر مصرف عنوان شده ولی وقتی لایحه مورد مطالعه قرار می‌گیرد به این نتیجه می‌رسیم که عملاً مالیات مضاعفی بر تولید می‌باشد.

هدف دولت از این لایحه، شناسایی مؤدیان جدیدی است که مالیات پرداخت نمی‌کنند. ولی در صورتی که اظهارنامه در کل آحاد ملت فراگیر شود، عملاً این مسأله حل می‌شود و اصطلاحاً، مجبور نیستیم "بوق را از سرگشاد آن بزیم". در حال حاضر، هدف با وسیله جابه‌جا شده است.

اقتصاد ایران: آیا به نظر شما، فراگیر نمودن ارایه اظهارنامه‌های مالیاتی (ارایه اظهارنامه برای مجموع درآمدهای اشخاص)، بر کارآمدی نظام مالیاتی و عدالت اجتماعی مؤثر است یا خیر؟

بدیهی است که در یک نظام مالیاتی عادلانه، تبعیض‌ها به حداقل می‌رسد و آن که از امکانات بیشتری در اقتصاد استفاده می‌کند، باید در هزینه‌های عمومی کشور مشارکت بیشتری داشته باشد. هر ایرانی باید در تأمین هزینه‌های جاری مملکت خودش سهم داشته باشد و تنها راه آن، اظهارنامه فراگیر مالیاتی است. از سوی دیگر، این فراگیری، هم منجر به توسعه عدالت در کشور می‌شود و هم با سیستم تحلیل و ارزیابی که قبلاً گفته شد، می‌توان

برنامه‌ریزی‌های استراتژیک کشور را با کارایی بالاتری تدوین کرد. همچنین، مشارکت کلیه شهروندان در پرداخت مالیات، پیگیری آنها را نسبت به اقدامات دولت در راستای رفاه و امنیت اجتماعی افزایش خواهد داد. به علاوه، شرکت‌های تولیدی می‌توانند به جای تقسیم سود، توسعه انجام دهند و توسعه واحدهای تولیدی یعنی اشتغال پایدار، ایجاد زیرساخت‌های کشور و افزایش درآمدهای اقتصاد ملی و این، همان هدفی است که چشم‌انداز ۲۰ ساله و نظام نیز به دنبال آن است.

اقتصاد ایران: معافیت‌های مالیاتی مندرج در قوانین فعلی چه می‌باشند؟ به نظر شما، نظام مالیاتی در کشور تا چه اندازه کارآمد و عادلانه است؟

متأسفانه، علیرغم اهداف قانون‌گذار، معافیت‌های مالیاتی، به علت عدم شفافیت ساختارهای اقتصادی، نه تنها در جهت توسعه سرمایه‌گذاری مولد اعمال نمی‌شوند، بلکه سبب فرار مالیاتی می‌گردند. همچنین، باید توجه داشت که اصولاً معافیت‌ها به عنوان اهرم اصلی دولت برای جهت‌دهی به اقتصاد و سرمایه‌گذاری مولد است، و باید در هر شرایطی، بازبینی و روزرسانی شود. در این زمینه باید از نگاه صفر و یک پرہیز کرد.

اقتصاد ایران: با توجه به درآمدهای نفتی گزاف کشور، مالیات‌گیری و فشار مالیاتی بر واحدهای خصوصاً صنعتی قابل توجیه است؟

دولت، با دراختیار داشتن درآمدهای نفتی، بدون پس دادن هیچ‌گونه حسابی، تقریباً صد در صد هزینه‌های خود را از این منبع مالی تأمین می‌کند و مستقل از اراده مردم، مصلحت ملی را به جای ملت تعیین می‌نماید. سؤال این است که دولت خدمتگزار که ملت را رباب خود می‌داند، تا چه حد برای این ملت هزینه دارد و آیا ملت می‌تواند هزینه خدمتگزار به این گرانی را پرداخت نماید؟!

اقتصاد ایران: در کشورمان، پرداخت‌کنندگان مالیات، آثار پرداخت مالیاتی را در خدمات ارایه شده نمی‌بینند. آیا این امر می‌تواند منجر به فرار مالیاتی شود و راهکار شفاف نمودن آن چه می‌باشد؟

"جانا سخن از زبان ما می‌گویی." یکی از دلایل بسیار واضح فرار مالیاتی همین موضوع است که ملت، احساس نمی‌کند مالیات برای آنها مصرف شده است. هزینه کردن

درآمدهای مالیاتی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) منطقه‌ای و (۲) ملی. در صورتی که در هر منطقه، مالیات‌دهنده احساس کند که مالیاتش دقیقاً در همان منطقه، صرف توسعه و رفاه می‌شود و در انجام امور مربوط به جامعه نقش دارد، با طیب خاطر مالیات می‌دهد. همچنین، بسیاری از مالیات‌هایی که در سطح ملی صرف می‌شوند، می‌توانند با توزیع بهینه در مناطق کمتر توسعه یافته کشور هزینه شوند و به استحضار مردم برسد و این امر، فرهنگ‌سازی مالیاتی را به دنبال دارد.

اقتصاد ایران: تبعیض‌های مالیاتی چگونه بر نظام مالیاتی اثر می‌گذارد و چه باید کرد؟

متأسفانه، تبعیض‌های مالیاتی و قوانین، باعث شده‌اند کسی که فرار مالیاتی انجام می‌دهد، خود را شخص با شخصیت‌تر و والاتری احساس کند - یعنی توانسته است به علت انجام یک عمل زیرکانه، از پرداختی که آن را اجحاف به خود می‌داند، جلوگیری می‌کند در حال حاضر، ملت، پرداخت‌های مالیاتی را اجحاف به خود می‌داند که این امر باید با فرهنگ‌سازی، جایگاه صحیح خود را پیدا کند.

اقتصاد ایران: اعتماد بین مؤدی و مأمور مالیاتی در نظام فعلی وجود ندارد؟ برای ایجاد اعتماد مأموران مالیاتی چه باید کرد؟

این واقعیتی است که مأموران، ملت را دروغگو و فراری از مالیات می‌دانند و ملت، مأمور مالیاتی را شخص زورگویی که آمده است به حریم او تجاوز کند و از او عوارض و پول زور بگیرد قلمداد می‌کند. با این بینش دو طرفه، چگونه می‌توان به اعتماد بین مأموران و مؤدی رسید؟!

نحوه عملکرد وزارت اقتصاد و امور دارایی در جهت فرهنگ‌سازی و ایجاد اعتماد، بسیار ضعیف بوده است و امیدواریم این وظیفه، سرلوحه اهداف و وظایف وزارت امور اقتصادی و دارایی شود. یعنی فرهنگ‌سازی مالیاتی، اعتماد بین وزارت اقتصاد و دارایی و مردم و عدالت اجتماعی، تبلیغ و فراگیر شود. ملت مسلمان ایران، ملتی است راستگو و این که به این ملت، دروغگو و فراری از اصول خود اطلاق شود، مطمئناً باعث ایجاد فاصله می‌شود؛ گرچه در قشر بسیار کمی این موضوع می‌تواند مصداق داشته باشد. تعمیم این مسأله به کل جامعه، موضوعی است که باعث موضع‌گیری مردم گردیده است.

پرداخت‌های مالیاتی با پرداخت‌های وجوه شرعی، مسأله بسیار مهمی است که باید توسط مراجع و مجلس محترم به صورت صحیحی حل شود. می‌بینیم که عده‌ای، وجوه شرعی خود را با علاقه و طیب خاطر پرداخت می‌کنند، بدون این که فشاری به آنها وارد آید ولی در مورد مالیات، این بینش هنوز کامل نشده است که باید به این سمت سوق داده شود. در باب تفسیر قانون نیز شاهد رویه‌های خلاف قانون، نظیر توافق سازمان مالیاتی با اصناف هستیم. همچنین، به اعتقاد ما، حضور تشکل‌های مردم‌نهاد در تدوین آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها می‌تواند کارایی نظام مالیاتی را افزایش دهد. در حالی که در وضعیت حاضر، متأسفانه بخش‌نامه‌های موجود هم، بعضاً

به دست مؤدی نمی‌رسد و گفته می‌شود که محرمانه است. اقتصاد ایران: با توجه به شرایط متلاطم اقتصاد کشور و افزایش هزینه‌ها، چرا اظهارنامه‌های قبلی توسط ممیز مدنظر قرار گرفته و هزینه و درآمد بر اساس آن محک زده می‌شود، نه بر اساس شرایط متلاطم، تورم، تحریم‌ها و...؟ متأسفانه، پیش فرض‌ها باعث شده‌اند که ارتباط صحیح، مابین نظام مالیاتی و مؤدی تا حد زیادی خدشه‌دار شود. همان‌طور که شما فرمودید، در صورتی که در سال گذشته، به طور مثال ۱۰۰ ریال به عنوان مالیات پرداخت شده باشد، در سال جاری ۱۱۰ یا ۱۳۰ ریال پرداخت می‌شود. از پیش تعیین شدن مالیات، خلاف واضحی است که در

سازمان امور دارایی، به عنوان مبنای اصول مشخص شده است. امیدواریم، با ایجاد اعتماد بین ملت و دولت، این نقیصه برطرف شود. در صورتی که طی یکسال، واحد صنعتی زیان بدهد، باید از مالیات مبرا باشد، چراکه مالیات، صرفاً بر درآمد و سود است.

تخمین و پیش‌بینی درآمد مالیاتی نمی‌تواند مصداق صحیحی باشد، مالیات بر درآمد باید در سبد درآمد دولت، سهم کمتری را داشته باشد و مکمل مالیات بر مصرف باشد که اعداد آن بر اساس الگوی مصرف جمعیت، قابل پیش‌بینی و تحقق است.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■



### مالیات‌های پنهان

## آفت نهان اقتصاد ایران

در نگاه آقای خالد امیریوسفی، کارشناس اقتصادی و مالی، مالیات‌های پنهان، اجحاف به تولیدکننده و مصرف‌کننده بوده و دامن خود دولت را نیز می‌گیرد.

مالیات، بخشی از درآمد یا دارایی هر فرد حقیقی یا حقوقی است که به موجب قانون و عمدتاً به منظور تأمین هزینه‌های عمومی دولت (به جای درآمد نفت، سایر درآمدها و درآمدهای اختصاصی)، توزیع مجدد درآمد، تخصیص بهینه منابع و تثبیت اقتصادی دریافت می‌شود و نظر به ماهیت آن، از لحاظ تئوری و عملکرد اقتصادی، سالم‌ترین منبع درآمد و تأمین مخارج دولت است. اما حتی با این حال، همواره ناکارایی‌هایی در پرداخت، دریافت و هزینه کردن مالیات به‌طور ذاتی وجود داشته است. در علم اقتصاد و امور مالی، مالیات پنهان (Hidden Taxes)، مالیات غیرمستقیمی است که در قیمت کالاها و خدمات نهفته است و بنابراین هنگامی که پرداخت می‌شود بدین‌گونه ظاهر نمی‌گردد؛ یعنی درحقیقت، مؤدی بدون آن که آگاه باشد، مالیات را می‌پردازد. به عبارت دیگر، مالیات پنهان نوعی پرداخت نامحسوس برای مؤدیان مالیاتی است که خود سبب افزایش قیمت کالاها و کاهش قابل ملاحظه در یافتی نیروی کار و قدرت خرید افراد می‌شود. موضوع مالیات‌های پنهان، در مفهومی کلی‌تر، ناکارایی‌های سازوکار کلی تأمین درآمد برای مخارج دولت از منابع مختلف درآمدی است که در واقع، تا اندازه‌ی زیادی با مالیات تئوری ارتباط پیدا می‌کند، یعنی وضعی که در آن دولت، سیاست افزایش در مالیات‌بندی را برای پرداخت مخارج خود به‌اجرا می‌گذارد.

اگر دولت، خریدهای خود را با افزایش عرضه پول تأمین مالی کند، هنگامی که منحنی عرضه کل در اقتصاد بی‌کشش (وضعیتی نزدیک به وضعیت کنونی

تولید در اقتصاد ایران) باشد، قیمت‌ها بالا می‌روند و لذا دارندگان مانده‌های پولی (یا تقاضاکنندگان پول)، قدرت واقعی خرید خود را رو به کاهش می‌بینند و با وضعیتی مشابه، با افزایش مالیات‌های بر درآمد (به عنوان عرضه‌کنندگان عوامل تولید)، رو به‌رو می‌شوند. بنابراین دولت در مواجهه با افزایش مخارج خود و برای جبران و تأمین مالی آن به (۱) عرضه پول و افزایش نقدینگی (چاپ پول بی‌پشتوانه)، (۲) افزایش بی‌رویه قیمت کالاها و خدمات انحصاری و (۳) دریافت انواع بیشتری از عوارض روی انواع مختلف کالاها و خدمات توسط نهادهای محلی (شهری و استانی) - با یا بدون توجه به پیامدهای سوء این اقدام - مبادرت می‌نماید که این همه، تحت عنوان مالیات‌های پنهان، شناسایی و تعریف می‌شوند. مصادیق بارز مالیات‌های پنهان در اقتصاد ایران - که مانند خوره‌ای از درون به جان این اقتصاد افتاده - را می‌توان با اندکی دقت و بررسی، به‌عیان مشاهده نمود. افزایش رشد نقدینگی در سال‌های اخیر، به ویژه سال ۸۵ به میزان تقریباً چهل درصد و افزایش قیمت کالاها و خدماتی مانند برق، آب، گاز، بنزین، پودرهای شوینده و غیره و خدمات عمومی دستگاه‌های دولتی مانند هزینه صدور یا تمدید گذرنامه و ثبت‌نام در مدارس دولتی و کاهش یا حذف یارانه‌ها و سایر اقلام ضروری اساسی که تولید، عرضه و یا فروش آنها، کماکان در انحصار دولت است، تنها معدودی از این مصادیق هستند که به‌طور اجتناب‌ناپذیر، همانند روغن، آتش‌سوزان تورم‌شتابنده را شعله‌ورتر می‌سازند؛ آتشی که قربانی (هیزم) و طعمه آن، مردم - اعم از مصرف‌کننده و تولیدکننده - هستند.